



● احمد عربلو و فهيمه فتوره چي
● تصويرگر: نرگس جوشش

ماهی

اولی: «چرا ماهی ها نمی توانند حرف بزنند؟»
دومی: «تو خودت دهانت پر از آب باشد،
می توانی حرف بزنی؟»



داداش کیوی

یک سیب زمینی از داخل گونی قل خورد و افتاد
داخل سبد کیوی ها. کیوی ها داد زدند:
«آخ جون! داداشی از سلمونی برگشت!»

کرم خاکی

یک کرم خاکی توی باغچه بود. اولی: «به نظر تو
چه جوری می فهمیم کدام طرف سر کرم و کدام
طرف ته کرم است؟»
دومی: «قلقلکش می دهیم. هر طرف
که خندید، سر کرم است!»



زنبور

معلم: «بچه ها! به نظر شما چرا زنبورها
گل می خورند؟»
شاگرد: «آقا اجازه! حتماً دروازه بانی شان
خوب نیست!»

